



1. « علی رغم مصوبه دولت و غیرشرعی دانستن علما و اظهارات قبلی مسئولین بانک مرکزی، مظاهری از مجاز بودن دریافت جریمه دیرکرد خبر داد. رئیس کل بانک مرکزی بعد از ظهر دیروز در جمع خبرنگاران و با تشریح بسته سیاستی بانک مرکزی به سوالات خبرنگاران پاسخ داد. وی در جواب سوال خبرنگار ما که پرسید علیرغم مصوبه دولت چرا نگرفتن جریمه دیرکرد از سوی بانک مرکزی به بانکها ابلاغ نمی شود گفت: کسانی که تسهیلات دریافت کرده اند و اقدام به پرداخت به موقع نمی کنند باید جریمه آنرا بپردازند. این در حالی است که براساس مصوبه دولت اخذ جریمه دیرکرد ممنوع است و مسئولان بانک مرکزی اعلام کرده بودند: در حال حاضر هیچ مشکلی برای بخشودگی جریمه تاخیر توسط هیئت مدیره بانکها وجود ندارد. » (1)

2. یکی از موضوعاتی که قرآن کریم با حساسیت زیاد از آن یاد می کند و نسبت به آن هشدار می دهد، مسئله ربا است. سیمای ربا خواران در قرآن، بسیار فجیع به تصویر کشیده شده. آشفته سری در قیامت: « الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ » (2) ماندگاری در آتش: « فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » (3) عذاب کفار « وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا » (4)، جنگ با خدا و رسول خدا « فَإِنْ لَمْ تَقْعَلُوا فَاذْتُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ » (5).

این در حالی است که ربا خوار که ظاهراً و با حساب و کتاب های مادی و دنیایی برای کسب سود بیشتر است، در برابر صدقه و زکات معرفی شده که برکت اصلی در آن است: « يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كَلَّ كَفَّارٍ أَتِيمٍ » خدا از [برکت] ربا می کاهد، و بر صدقات می افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی دارد. (6) « وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّا لِيَرْبُؤُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُونَ » و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردار، نزد خدا فزونی نمی گیرد؛ و [لی] آنچه را از زکات - در حالی که خشنودی خدا را خواستارید - دادید، پس آنان همان فزونی یافتگانند [و مضاعف می شود] (7).

رها کردن ربا نشانه ایمان مومنان و ظلم نکردن و مورد ستم واقع نشدن است: « وَذُرُّوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » (8) « لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ » (9) « فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ » (10): پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست، و کارش به خدا واگذار می شود، « وَإِنْ تَبُتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ » (11): و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است.

ربا خواران، اما برای کار خود دلیل های تجاری خاصی دارند همچون قارون که می گفت: « إِنَّمَا أَوْتِيتهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي » (12) « من اینها را در نتیجه دانش خود یافته ام ». عذاب و آشفته سری ربا خواران بدان سبب است که می گویند: « إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا » (13) « داد و ستد صرفاً مانند ریاست ». چراکه در نگاه اقتصادی و تجاری آن ها صرفاً جابجایی پول و سود آوری مطرح است و این گونه است که فرقی در معاملات، نمی بینند. جالب این جاست که عامل مجازات دنیوی و اخروی قوم یهود، نیز رباخواری و "مال مردم خوری" معرفی شده است: « وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا » (14): و [به سبب] رباگرفتنشان - با آنکه از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان، و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده ایم.

و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است: « وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا » (15) و صریحاً به مؤمنان دستور می دهد: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ » (16): ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را [با سود] چندین برابر مخورید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید.

3. گاه، تلاش هایی صورت می گیرد تا مواردی چون جریمه تأخیر، موجه و مشروع جلوه داده شود و از مصادیق ربا خارج گردد اما باید دانست مراد شارع از تحریم ربا آن هم با این شدت، یک دستور فرمایشی و مستحبی نیست که بتوان به بهانه اختلاف فتوی، در تشخیص موضوع، راه فراری برای آن یافت و معاملات مغضوب شرع یا معاملات محل تردید و مشکوک الحرمة را به اصطلاح ماست مالی کرد و در حکومت اسلامی جاری ساخت. این مقاله درصدد اثبات حرمت دریافت جریمه تأخیر وام های بانکی نیست بل هشدار جدی نسبت به دو گروه بانکداران و اقتصاددانان است. هشدار نسبت به هجوم مبانی غربی اقتصاد به ذهن و عمل، (...). که مبدا در فرایند بلند مدت انقلاب اسلامی، از شدن اسلامی همه مبادی حکومت، غفلت کنند و آموزه های ناب آسمانی را بوسیده و در طاقچه بگذارند. به راستی احکام اقتصادی اسلام، اعمال عبادی مباح و مستحب نیست که با گفتن این که " ان شاء الله گریه است! " فقه را دور زد و پول کثیف را وارد زندگی مردم کرد. بدیهی است با تغییر نام نزول به سود یا مانند آن تغییری در هویت معامله صورت نمی گیرد و غرض شارع نیز با بازی با الفاظ، تأمین نخواهد شد.

آن چه در مرحله نخست به اصطلاح، بانکداری اسلامی رخ داده تنها عناوین صوری معاملات اسلامی است که ابزار و راهکاری عملی و واقعی برای اجرایی کردن آن وجود ندارد. پول هایی تحت عنوان مضاربه مزارعه و غیره پرداخت می شود و در مواردی چون درمان و دین مصرف می گردد و سودی هم بربر قرارداد اخذ می شود بی آن که طرفین نسبت به واقعی بودن قرارداد، حساسیتی داشته باشند.

4. همه می دانیم که قرض الحسنه یک عمل خدا پسندانه است که نه تنها باعث تقویت برادری در جامعه است و غیر مستقیم، به امنیت روانی جامعه می انجامد بل که موجب رشد اقتصادی شده و فواید آن نصیب همگان می شود .

پروردگار عالم، با تاکید فراوان در حساب و کتاب مسایل مالی ، در باره قرض دادن، توصیه می کند : « وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ » (17) و اگر [بدهکاران] تنگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید]؛ و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد] بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید. این حکم، یک توصیه اخلاقی و فردی نیست که تنها قرائت آن ثواب داشته باشد که یک مبنای اقتصادی در بانک داری اسلامی است اگر باور کنیم ! پیش از این نیز در مقاله " اکنون دولت قرآنی" به سخنان ارزشمند رئیس جمهور و جهت گیری ارزشی دولت نهم در این زمینه اشاره کردم . در آن مقاله که به خبر تأسیس بانک قرض الحسنه پرداخته بودم؛ نوشتم که : « رئیس جمهور در آیین افتتاح این بانک ، جمله وزینی را به زبان آورد : « قرض الحسنه "صرفاً صندوق خیریه ای برای فقرا و درمانده ها نیست بلکه قرض الحسنه یک منش و نظام اقتصادی است و جایگاه ویژه ای در بین مردم ایران دارد» این منش و نظام اقتصادی همان سامانه اقتصادی است که قرآن کریم صدها سال است بخش نامه آن را نازل کرده اما می باور نکرده ایم یا با نگاه حکومتی ندیده ایم یا حکومت اسلامی نداشته ایم یا پس از انقلاب اسلامی هم دانش آموختگان مکتب غرب را به کار گرفته ایم که قرآن را تنها در گورستان ها شنیده اند! اما امروز دولت مکتبی جمهوری اسلامی ایران ، نگاهی بنیادین به مسئله اقتصاد دارد و ریشه بسیاری از ناسازگاری های فرهنگی و ناهنجاری های اخلاقی را درست شناخته و بی باکانه در صدد بازگشت به قرآن و سنت است و در این راه ناملایمتی سیاست بازان و طعنه های اقتصاد دانان را واقعی نمی نهد.»

5. اما آن چه باعث شد دوباره قلم را به سوی اقتصاد بچرخانم همان سخنان منقول از رئیس بانک مرکزی بود . این گفتار ، بیشتر توقع می رفت از یک رباخوار عدار شنیده شود تا شخص متدین و محترمی چون جناب آقای مظاهری که در نظام مقدس جمهوری اسلامی مسئولیت دارند، وی همان کسی است که معتقد است : « اگر بانک سالم و اسلامی نباشد، بسیار خطرناک می شود و یکی از معضلات و بدبختی های دنیای امروز، همین بانکها رباخواری است؛ به گونه ای که بعضی از کشورهای جهان سوم هر چه درآمد داشته باشند باید به عنوان سود وامهای ربوی به این بانکها بپردازند و صد البته که چنین بانکهایی از رباخواران اضعاف مضاعف که در آیات قرآن آمده به مراتب بدترند؛ چون آنها با سرمایه خودشان رباخواری می کردند و بانک ربوی با سرمایه مردم دست به این جنایت می زنند، چون غالب سرمایه های بانکها از مردم است، بلکه گاهی بانک سرمایه ای به جز ساختمان بانک ندارد و یکی از برکات انقلاب اسلامی ایران، گام برداشتن در طریق اصلاح همین بانکها ربوی است . عملکرد بانکداری بدون ربا نشان می دهد که آن چه در عمل محقق شده این است که در این قانون، بانک صرفاً وظیفه انتقال وجوه را برعهده دارد و وظایف تعیین شده برای بانک در قانون عملیات بانکی بدون ربا، معطل مانده است. علت این امر را می توان در ناسازگاری ماهیت عملیات بانکی و عقود اسلامی دانست و یا آن را نتیجه امکان ناپذیری ترکیب این دو مهم دانست. لذا پیشنهاد می شود که قانون عملیات بانکی بدون ربا مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد. در این تجدیدنظر، روح بررسی، محدودیت عملیات بانکی و انفکاک عقود اسلامی از عملیات بانکی است .»

حال باید پرسید این قاطعیت در باره دریافت جریمه تأخیر با کدام مبنای اسلامی سازگار است ؟ شاید مطبوعات، در نقل جملات ایشان، اشتباه کرده باشند و یا دلیل متقنی در پس این گفته نهفته که باید روشنگری شود.

6. در بررسی مسایل اقتصادی ضمن همه جانبه نگری باید به روح اقتصاد اسلامی توجه داشت و مبنا ها و شرایط را فراموش نکرد . آیا اقتصاد اسلامی بر اساس نظام عرضه و تقاضا است ؟ آیا عدالت محوری اقتصاد اسلامی تعریف شده است ؟ جهت گیری این اقتصاد چیست ؟ افزایش ثروت ؟ گسترش رفاه ؟ توسعه همگن جامعه ؟ تکیه بر سودهای ظاهری ؟ اخروی نگری ؟ سودآوری لا بشرط ؟

در اقتصاد اسلامی به چه چیز ، ضرر گفته می شود؟ آیا به راستی صرف نظر از مال و قرض دادن بدون سود به برادر مؤمن ، ضرر نیست؟ آیا انفاق و زکات و خمس و مالیات، ضرر نیست . مگر هر کم شدنی زبان به شمار می رود. همواره نواسانات بازار وجود داشته و گاه بازار سیاه تشکیل می شده است ؛ آیا می شود به همین بهانه ها و به گفته امروزی ها به خاطر تورم ، طلبکار از برادر خویش مبلغ بالاتری را درخواست کند و مثلا بگوید اگر با این پیل فلان کالا را خریده بودم چنان سود می کردم پس اکنون مغبون شده ام ! آیا وام دهنده از تغییرات تجارت و تورم خبر ندارد که قرض می دهد؟ آیا می توان به این بهانه که بانک با تأخیر در پرداخت اقساطی که خود به خود با سود محاسبه شده از مسابقه سود آوری عقب افتاده پس باید جبران شود. آن کس که برای رفع حاجت خود مجبور به اخذ وام شده و هم اکنون مجبور است نه یک سود ثابت که سود سالانه پرداخت کند آیا باید برای دیرکرد هم جریمه دهد ؟ آیا بانک اسلامی او را از چاله به چاه نیانداخته است ؟ حال که سخن از سود و زیان است آیا این روش باعث تبانی بانک با واسطه ها و پیمانکاران جهت دریافت سود بیشتر نمی شود؟ گاه مشاهده شده به خاطر عملیات بانکی، دفترچه اقساط چند ماه دیر تر از موعد ارایه می شود اما ناباورانه جریمه دیرکرد آن از بدهکار اخذ می شود! پس نباید شب به آسودگی سر بر بالین گذاشت . که باید اندیشید در میلیون ها رفت و آمد پول و سرمایه که معلوم نیست با کدام دلیل شرعی صورت می گیرد و به حساب دولت اسلامی نوشته می شود. احکام اقتصادی اسلام، گزینه های عملی هستند که در زندگی اجتماعی مردم، تأثیر مستقیم دارند نه چون حکم اخلاقی یا عبادی مثل نماز شب که مسئله ای فردی است .

7. در پایان باید یادآور شد که نمی توان از تخلف و نیرنگ برخی سرمایه باز ، چشم پوشید که با همان فکری پول پرستانه در پی کسب منفعت بیشتر و استفاده بالاتر از سرمایه ملت هستند . این افراد با گرفتن وام های و تسهیلات فراوان صرفا در پی دغل بازی و عدم پرداخت دیون خود در موعد مقرر هستند . خداوند نمونه ای از یک معامله یا قرض مسلمانانه را در قرآن کریم شرح می دهد : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلَأِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيحًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَ هُوَ فَلْيُمْلَأْ وَلْيُبَ الْبِغْدَالِ وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشَّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ إِنْ تَرَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَقَلُّوا فَإِنَّهُ فَسُقُوكُمْ اللَّهُ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْفُرُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهَا فَإِنَّهُ أَمِيمٌ فَلْيُبَ الْبِغْدَالِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ * » (18) ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید امل کند، و او [=نویسنده] بنویسد. و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نکاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی تواند امل کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت، امل نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید]، تا [اگر] یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، [زن] دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری

ورزند. و از نوشتن [بدهی] چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سررسیدش [فرا رسد]. این [نوشتن] شما، نزد خدا عادلانه تر، و برای شهادت استوارتر، و برای اینکه دچار شك نشوید [به احتیاط] نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و [در هر حال] هر گاه داد و ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند، و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید، و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می دهد، و خدا به هر چیزی داناست. و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید وثیقه ای بگیرید؛ و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. و شهادت را کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است، و خداوند به آنچه انجام می دهید داناست.

اکنون باید پرسید قانون بانک داری ما عیب و نقص ندارد؟ آیا ما بین کسی که ورشکسته شده، کسی که ناتوان از پرداخت به موقع اقساط است و کسی که در عملی مجرمانه در پرداخت خود کوتاهی می کند فرق می گذاریم؟ آیا نمی توان عمل مجرمانه را تشخیص داد و راهکار قضایی، سهل و سریع برای آن پیشنهاد کنیم که نه بانک بل مردم که صاحب اصلی سرمایه هستند زیان ببینند؟

آیا تنها راه این است که همه را به یک چوب زده و وبه بهانه دیرکرد، یال ناپاک بر ریال ها بیافزاییم با این خیال که سود بیشتری نصیبمان شده است؟

کاش اگر نمی دانیم یا نمی توانیم، تحت لوای اسلام این کار را نکنیم و با دین و دنیای مسلمانان بازی نکنیم. باشد که هشیار شویم و راه صواب را از قرآن و اهل بیت بجوییم.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (19)

خدا و رسول را فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید.

1. <http://kayhannews.ir/870507/4.htm#other401>

2. بقره 275

3. بقره 275

4. نساء 161

5. بقره 279

6. بقره 276

7. روم 39

8. بقره 278

9. بقره 279

10. بقره 275

11. بقره 279

12. قصص 78

13. بقره 275

14. نسا 161

15. بقره 275

16. آل عمران 130 - 131

17. بقره 280

18. بقره 282 و 283

19. آل عمران 132

حامد عبدالهیمنیغ: خبر گزارى رسا